**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

بعد از اینکه مبنای محقق اصفهانی در کیفیت جعل احکام روشن شد، و خلاصه‌اش این شد که «البعث صحیح حیث فُرِضَ امکان الانبعاث» این مبنا را تطبیق بدهیم بر محل بحث، اگر یکی از اطراف علم اجمالی از محل ابتلاء خارج بود، طبق این مبنا باید قائل شویم به اصل احتیاط یا اصل برائت؟

طبق این نظر، محقق اصفهانی باید قائل شوند به وجوب احتیاط به خاطر اینکه ایشان اثبات کردند، توجه تکلیف هر چند در غیر محل ابتلاء محذور ندارد، و لغو نیست، چون امکان انبعاث هست، بنابراین اگر زید شک کرد آیا قطرۀ خون روی عبای او افتاد یا روی پیراهن عمرو؟ هر چند لباس عمرو مورد ابتلای زید نیست ولی امکان ابتلاء که وجود دارد، لذا توجه تکلیف به زید لغو نیست که مولا بگوید «اجتنب عنهما»، از عبای خودت و پیراهن عمرو اجتناب کن، پس علم اجمالی منجز است و بر زید واجب است از عبای خودش اجتناب کند.

ما هر چند اصل نظریۀ محقق اصفهانی در جعل احکام قبول داریم، و توضیح دادیم که نه نظریۀ محقق خوئی و نه خطابات قانونیه مرحوم امام، مشکل لغویت و استهجان را حل نمی‌کند. نظریۀ محقق اصفهانی است که این مشکل را برطرف می‌کند، لذا هر جا امکان انبعاث بود بعث لغو نیست، با این وجود ما در ما نحن فیه که خروج بعضی از اطراف از محل ابتلاء باشد، قائل به وجوب احتیاط نیستیم بلکه قائلیم مثل محقق خراسانی و شیخ انصاری اگر بعضی از اطراف از محل ابتلاء خارج شد، اصل برائت جاری است. چگونه؟ اتخاذ این مبنا به خاطر نظریه‌است که در بحث شبهۀ محصوره ما بر خلاف مشهور انتخاب کردیم، یعنی نتیجۀ آن نظریه، این است که در این مسأله قائل به برائت شویم، هر چند مبنای محقق اصفهانی را در جعل احکام قبول داریم.

**توضیح مطلب:** به این سه نکته توجه کنید تا کاملا بحث روشن شود:

**نکتۀ اول:** ما در بحث شبهۀ محصوره توضیح دادیم که حدیث رفع چنانچه شامل می‌شود شبهات بدوی را، شامل می‌شود اطراف علم اجمالی را و ثبوتا محذوری ندارد و سه محذور بود که جواب دادیم که در این نکته شهید صدر هم با ما همراه بود.

**نکتۀ دوم:** ما بحث کردیم به چه دلیل اگر اطراف شبهه کم باشد یا به تعبیر مشهور محصوره باشد، احتیاط واجب است؟ اعلام هر یک مبنائی داشتند از جمله شهید صدر مبنایشان ارتکاز عقلائی بود، ما توضیح دادیم که به خاطر روایات و دلیل خاص است که ما می‌گوییم احتیاط واجب است در شبهۀ محصوره و اگر دلیل خاص نباشد، حدیث رفع می‌گوید برائت که این را بحث کردیم.

**نکتۀ سوم:** اکنون باید این دلیل خاص و روایات را ما بررسی کنیم ببینیم آیا روایات که می‌گوید احتیاط واجب است در اطراف قلیل، آیا به اطلاق یا به تصریح شامل موردی می‌شود که بعضی از اطراف از محل ابتلاء خارج باشد یا نه؟

به نظر ما بعد از توجه به روایات به این نتیجه می‌رسیم روایاتی که می‌گوید در اطراف قلیل احتیاط واجب است، همۀ این روایات اطراف شبهه محل ابتلاء هستند. بنابراین آنجا که بعضی از اطراف محل ابتلاء نباشند، شک داریم آیا مخصصی آمده است اینجا را از تحت حدیث رفع اخراج کند و بگوید احتیاط واجب است یا مخصصی نیامده است؟ چون مخصصی پیدا نکردیم که بگوید بعضی از اطراف هر چند محل ابتلاء نباشد احتیاط واجب است، پس به عام فوقانی عمل می‌کنیم که حدیث رفع باشد و در نتیجه آنجا که بعضی از اطراف از محل ابتلاء خارج باشد برائت جاری است.

**اشاره به برخی از روایات**

**روایت اول:** موثقۀ سماعه « 376- 2- وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ مَعَهُ إِنَاءَانِ فِيهِمَا مَاءٌ وَقَعَ فِي أَحَدِهِمَا قَذَرٌ- لَا يَدْرِي أَيُّهُمَا هُوَ وَ لَيْسَ يَقْدِرُ عَلَى مَاءٍ غَيْرِهِ- قَالَ يُهَرِيقُهُمَا جَمِيعاً وَ يَتَيَمَّمُ» [[2]](#footnote-2) به روشنی اینجا فردی که دو ظرف دارد که در هر دو آب است یعنی با هر دو درگیر است. پس این روایت محل ابتلاء را شامل می‌شود و غیر محل ابتلاء را ساکت است، دو ظرف آب است یعنی هر محل ابتلاء است.

**روایت دوم:** صحیحۀ محمد بن مسلم ««3977- 1- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع فِي حَدِيثٍ فِي الْمَنِيِّ يُصِيبُ الثَّوْبَ فَإِنْ عَرَفْتَ مَكَانَهُ فَاغْسِلْهُ- وَ إِنْ خَفِيَ عَلَيْكَ فَاغْسِلْهُ كُلَّهُ.»[[3]](#footnote-3) این علم اجمالی نسبت به یک لباس است که محل ابتلاء است.

**روایت سوم:** صحیحۀ صفوان«4298- 1- مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ ع يَسْأَلُهُ عَنِ الرَّجُلِ مَعَهُ ثَوْبَانِ- فَأَصَابَ أَحَدَهُمَا بَوْلٌ وَ لَمْ يَدْرِ أَيُّهُمَا هُوَ- وَ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ وَ خَافَ فَوْتَهَا- وَ لَيْسَ عِنْدَهُ مَاءٌ كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ يُصَلِّي فِيهِمَا جَمِيعاً.»[[4]](#footnote-4)این هم روشن است محل ابتلاء است که یک انسان دو جامه دارد که به آنا بول اصابت کرده است، این روایت هم محل ابتلاء را شامل می‌شود.

**روایت چهارم:** صحیحۀ حلبی «30309- 2- وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ‌ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ كَانَ لَهُ غَنَمٌ وَ بَقَرٌ- وَ كَانَ يُدْرِكُ الذَّكِيَّ مِنْهَا- فَيَعْزِلُهُ وَ يَعْزِلُ الْمَيْتَةَ- ثُمَّ إِنَّ الْمَيْتَةَ وَ الذَّكِيَّ اخْتَلَطَا كَيْفَ يَصْنَعُ بِهِ- قَالَ يَبِيعُهُ مِمَّنْ يَسْتَحِلُّ الْمَيْتَةَ- وَ يَأْكُلُ ثَمَنَهُ فَإِنَّهُ لَا بَأْسَ بِهِ.»[[5]](#footnote-5) یک انسانی است که گوسفند و گاو دارد، اینها هم محل ابتلاء است، مال او هست. سایر روایات باب هم همینگونه است.

**نتیجه:** همۀ این روایات سؤال از مورد ابتلاست، لذا اگر اطراف علم اجمالی مورد ابتلاء باشد احتیاط واجب است نه قاعدۀ کلی از این روایات استفاده می‌شود که غیر مورد ابتلاء را شامل می‌شود نه تعلیلی در این روایات است که غیر مورد ابتلاء را شامل شود لذا اگر اطراف شبهۀ قلیله مورد ابتلاء باشد احتیاط واجب است، مورد ابتلاء نباشد شک داریم احتیاط واجب است یا نه؟ ذیل حدیث رفع داخل است مخصصی نیست.

با اینکه از نظر مبنا در کیفیت جعل حکم با محقق اصفهانی همراه شدیم ولی از نظر نتیجه ما نتیجۀ دیگری گرفتیم.

در پایان این نتیجه گیری نکته‌ای را اشاره می‌کنیم و آن نکته این است که از مطالب گذشته روشن شد که در خروج بعضی از اطراف از محل ابتلاء طبق قاعده احتیاط واجب نیست و حدیث رفع محکم است لذا ما برای عدم وجوب احتیاط نیاز نداریم به دنبال روایت خاص باشیم، بعضی از اصولیین به عنوان دلیل بر عدم وجوب احتیاط در محل بحث به یک روایت تمسک کرده‌اند.

شیخ انصاری هم به عنوان مؤید همین روایت را مطرح می‌کنند، روایت این است «16- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ رَعَفَ فَامْتَخَطَ فَصَارَ بَعْضُ ذَلِكَ الدَّمِ قِطَعاً صِغَاراً فَأَصَابَ إِنَاءَهُ هَلْ يَصْلُحُ لَهُ الْوُضُوءُ مِنْهُ فَقَالَ إِنْ لَمْ يَكُنْ شَيْ‌ءٌ يَسْتَبِينُ فِي الْمَاءِ فَلَا بَأْسَ وَ إِنْ كَانَ شَيْئاً بَيِّناً فَلَا يَتَوَضَّأْ ...،».[[6]](#footnote-6)

جمعی از اصولیین و شیخ انصاری از این روایت استفاده کرده‌اند که مورد این روایت علم اجمالی و عدم ابتلاء به بعضی از اطراف است با اینکه علم اجمالی است، شبهه محصوره است و دو طرف بیشتر ندارد، چون یک طرف از محل ابتلاء خارج است امام علیه السلام فرموده‌اند احتیاط واجب نیست.

ما در دورۀ گذشته[[7]](#footnote-7) توضیح دادیم و گفتیم در این روایت سه احتمال است و طبق احتمال اظهر روایت ربطی به علم اجمالی و خروج از محل ابتلاء ندارد. ما این توضیحات را این دوره تکرار نمی‌کنیم و خلاصۀ حرف ما این شد که اصلا نیازی به این روایت نداریم ولی طبق قاعده اگر بعضی از اطراف از محل ابتلاء خارج شد حدیث رفع جاری است و دلیلی بر وجوب احتیاط نداریم نیازی به ذکر این مطلب نخواهد بود.

با ذکر این مطلب در این تنبیه روشن شد که اگر بعضی از اطراف از محل ابتلاء خارج بود به نظر ما اصل برائت جاری است و علم اجمالی منجز نخواهد بود.

اینجا در حاشیه یک مطلب باقیمانده و آن مطلب این است که نظریۀ شهید صدر را به صورت بسیار مختصر در کیفیت جعل احکام بعد در مبحث محل نزاع که خروج بعضی از اطراف از محل ابتلاء باشد نظر شهید صدر را مختصر اشاره کنیم و تنبیه چهارم تمام بشود که خواهد آمد.

1. - جلسه 52 – مسلسل 170– شنبه – 06/10/1399 [↑](#footnote-ref-1)
2. - وسائل الشيعة؛ ج‌1، ص: 151. [↑](#footnote-ref-2)
3. - وسائل الشيعة؛ ج‌3، ص: 402. [↑](#footnote-ref-3)
4. - وسائل الشيعة؛ ج‌3، ص: 505. [↑](#footnote-ref-4)
5. - وسائل الشيعة؛ ج‌24، ص: 187. [↑](#footnote-ref-5)
6. - الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج‌3، ص: 74. - وسائل الشيعة؛ ج‌1، ص: 150:«375- 1- «6» مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ رَعَفَ فَامْتَخَطَ- فَصَارَ بَعْضُ ذَلِكَ الدَّمِ قَطْراً صِغَاراً فَأَصَابَ إِنَاءَهُ‌ هَلْ يَصْلُحُ لَهُ الْوُضُوءُ مِنْهُ- فَقَالَ إِنْ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً يَسْتَبِينُ فِي الْمَاءِ فَلَا بَأْسَ- وَ إِنْ كَانَ شَيْئاً بَيِّناً فَلَا تَتَوَضَّأْ مِنْهُ- قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ رَعَفَ وَ هُوَ يَتَوَضَّأُ- فَتَقْطُرُ قَطْرَةٌ فِي إِنَائِهِ هَلْ يَصْلُحُ الْوُضُوءُ مِنْهُ قَالَ لَا.» [↑](#footnote-ref-6)
7. - دورۀ گذشته اصول – تاریخ دوشنبه 7/11/87- نكته در عدم لزوم تمسك به روايت خاص طبق مبناي ما

   با این نگاهی که ما به مسأله داشتیم دیگر نیازی نداریم اگر بعض الاطراف از محل ابتلاء خارج باشد برای عدم لزوم احتیاط به یک روایت خاص تمسک کنیم.

   شیخ انصاری و بعضی محققین از اصولیین در موردي که برخی از اطراف از محل ابتلاء خارج است - ضمن این که می‌گفتند احتیاط لازم نیست - یا به عنوان استدلال و یا به عنوان دلیل به صحیحۀ علی بن جعفر تمسک کرده‌اند.

   این صحیحه را اشاره کنیم و بگوئیم که این صحیحه هیچ ارتباطی به محل بحث ندارد و ذکرش به عنوان استدلال - همانطور كه در كلام بعضي آمده است- و به عنوان تأئید در کلام شیخ انصاری جايگاهي ندارد و اصلاً این روایت ربطی به محل ابتلاء و عدم ابتلاء ندارد.

   صحيحۀ علي بن جعفر: فروع الکافی 3/74 :«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ ۷ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ رَعَفَ فَامْتَخَطَ فَصَارَ بَعْضُ ذَلِكَ الدَّمِ قِطَعاً صِغَاراً فَأَصَابَ إِنَاءَهُ هَلْ يَصْلُحُ لَهُ الْوُضُوءُ مِنْهُ فَقَالَ إِنْ لَمْ يَكُنْ شَيْ‏ءٌ(در نسخه وسائل ان یکن شیاً آمده است) يَسْتَبِينُ فِي الْمَاءِ فَلَا بَأْسَ وَ إِنْ كَانَ شَيْئاً بَيِّناً فَلَا يَتَوَضَّأْ مِنْهُ ».

   در تفسیر و توضیح مدلول این حدیث سه بیان است:

   **بیان اول:** امتخاط يعني آنچه که داخل بینی است با صدا خارج شود. یک ظرفی آبی جلویش بود از این امتخاط چیزی به آب رسید. اگرچه به اناء رسیده اما منظور آب است. آیا می‌تواند وضوء بگیرد؟ امام در جواب می‌فرمایند اگر چیزی در آب از خون می‌بیند وضوء نگیرد و اگر چیزی نمی‌بینید با آن آب وضوء بگیرد. طبق این بیان روایت مخالف با قاعدۀ مسلم و اتفاقی بین علمای شیعه است. و آن قاعده این است كه آب قلیل به انفعال نجس می‌شود چه ذرات نجس مبان در آن باشد و چه نباشد. وقتی این قانون کلی باشد اگر روایت را اینگونه تفسیر کنیم مخالف با قاعدۀ مسلم است. روایت می‌گوید اصابت خون با آب مسلم است اما اگر ذرات خون مبان نبود آب پاک است( نظر اهل سنت) و اگر ذرات خون مبان بود آب نجس است. معنایش این است که آب قلیل به مطلق ملاقات نجس نمی‌شود و باید ذرات نجاست باشد تا حکم به نجاست آب کنیم. لذا با این نگاه برخی از فقها گفته‌اند و لو صحیحه است ولی معرض عند الاصحاب است قدیماً و حدیثاً و به این روایت عمل نکرده‌اند و از آن اعراض کرده‌اند. پس روایت صحیح السند با اعراض اصحاب شاذ و نادر می‌شود و دیگر نمی‌شود اعتناءکرد.

   **بیان دوم:** نظریۀ شیخ انصاری است. ایشان می‌فرماید در این روایت در حقیقت سؤال سائل از یک علم اجمالی است. سائل سؤال می‌کند (فامتخط) آن خون داخل بینی را بیرون ریخت و ذرات خون ریخته شد اما نمی‌داند به ظرف رسید یا به آب داخل ظرف رسیده است؟

   بعد اینگونه توضیح می‌دهند كه اگر این قطره خونها به ظرف رسیده باشد ظرف محل ابتلائش نیست و اگر به آب رسیده باشد آب برای وضوء محل ابتلائش است. امام می‌فرمایند اگر یقین داری به آب رسیده (راه یقینش هم این است که ببینی خون در آب هست یا نه؟) آب نجس است و اما اگر یقین نداری و علم اجمالی داری یا به آب رسیده یا به ظرف؟ یک طرف علم اجمالی از محل ابتلاء خارج است لذا امام می‌فرمایند وضوء لابأس و دیگر احتیاط لازم نیست.

   به نظر ما این بیان درست نیست. اشکال اصلی به اين بیان این است که این علم اجمالی را از کجای روایت در آورده‌اید؟

   ما هستیم و روایت و سؤال سائل، علم غیب نداریم که سؤال سائل چگونه بوده است؟ سائل هم علی بن جعفر انسان دقیقی است سؤال می‌کند فاصاب اناءه اگر نظر شیخ انصاري بود حداقل کلیشۀ سؤال این بود «فامتخط فلا یدری هل اصاب اناءه او ماءه؟» سؤال علی بن جعفر از علم تفصیلی است. روایت مورد علم اجمالی را نمی‌گوید تا شما مورد ابتلاء و غیر ابتلاء قرار بدهید.

   **بیان سوم:** علی الظاهر اين بيان با روایت مطابق است. راوی از یک علم تفصیلی و شک بدوی سؤال می‌کند. می‌گوید فامتخط و اصاب اناءه به ظرف یقیناً رسیده است اما نمی‌دانم به آب رسیده یا نه؟ آنها که می‌گویند از اصاب اناء یعنی اصاب الماء خلاف ظاهر است روایات دیگر باب را ببینید آنجا که می‌خواهند سؤال کنند وضعیت چگونه است؟ می‌گویند «له انائین وقع فیهما قذر» در یکی از این دو افتاده است نه بر خود اناء امام می‌فرمایند راهش این است که اگر قطرات خون را در آب دیدی وضوء نگیر اما اگر قطرات خون را ندیدی آیا قطره خون در آب افتاده است یا نه؟ شک بدوی است اصل برائت جاری می‌کنیم.

   این توضیح علی الظاهر با روایت تطابق بیشتری دارد و مخالف با فتوای اصحاب نیست. طبق این بیان مفاد صحیحۀ علی بن جعفر هم مورد اعتماد است ولی این صحیحه هیچ ارتباطی به علم اجمالی و خروج محل ابتلاء نخواهد داشت. [↑](#footnote-ref-7)